

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلسه ی ، یکشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۴ - ۱۲ جمادی الاول ۱۴۳۷

### جمع بندی بحث تقیه:

در جمع بندی بحث درباره ی تقیه بایستی بگوییم که این بحث را به عنوان یک بحث استطرادی در بحث خودمان مطرح کردیم، به دلیل این که آنان که برای منع به قیام در زمان غیبت به اخبار تقیه استناد کرده اند؛ به همین دلیل ما این بحث را به صورت استطرادی طرح کردیم که یک بحث جدی و قوی صورت نگرفت لذا زمینه ی ایراد شبهاتی هست. اصل بحث معنای تقیه نبود؛ بحث اصلی ما درباره ی ملاک تقیه بود، منظور ما این نبود که تقیه برای حفظ جان نیست، بلکه تقیه تاکتیکی برای حفظ دین است و در برخی اوقات از میان رفتن جماعت مسلمانان ممکن است به تضعیف دین بینجامد که در اینجا حفظ جانها واجب است.

لیکن تقیه مصونیت پذیری برای مسائل مادی و معیشت نیست.

به سه آیه در این زمینه استناد کردیم و روایات دیگری نیز بررسی شد.

این که آیا وجوب تقیه برای حفظ جان و مادیات و ... است یا این که نوعی تاکتیک برای حفظ اساس دین است (که اگر اساس دین متوقف به حفظ جان انسانها بود، می گوییم حفظ جان)

### بررسی نظرات فقهاء درباره تقیه

اکنون به بررسی نظرات فقهاء می پردازیم.

نوعاً فقهاء تقیه را در جایی که خطر جدی برای جان باشد، واجب می دانند؛ لیکن ایشان هم گاهی حفظ جان را واجب ندانسته اند.

با بررسی نظرات مسأله‌ای که از بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و صلح امام حسن علیه السلام با معاویه لعنة الله علیه، مسأله‌ی شیعه‌کشی همیشه جریان داشته و چه در زمان بنی‌امیه و چه در زمان بنی‌عبّاس شیعه همواره به اتهام قدرت‌طلبی و ادعای خلافت و حکومت تحت فشار و اختناق بوده و اگر تشیع ایشان علنی و ظاهر می‌شد، کلاً نسل شیعه نابود می‌شد. لذا فقهاء حفظ جان را لازم می‌دانستند.

اولین کسی که تعریفی را در مورد تقیه فرموده‌اند، شیخ مفید در کتاب تصحیح الاعتقاد است:

التقیة کتمان الحقّ وستر الاعتقاد فيه، ومکاتمة المخالفين وترک مظاهرتهم بما یعقب ضرراً فی الدین أو الدنيا.<sup>۱</sup>

تقیه مخفی کردن حق و پوشاندن اعتقاد به آن و کتمان از مخالفین و ترک مبارزه‌ی علنی با ایشان است در آن چیزی که ضرری را در دین یا دنیا به دنبال دارد.

این نظریه‌ی شیخ مفید رحمه الله مربوط به زمانی است که شیعه در آن شرایط سخت اختناق بوده است و حتی ضرر دنیوی به شیعه هم، موجب تضعیف کلی و نابودی ایشان می‌شد. اظهار حق و اعلان اعتقاد در آن موقعیت منجر به نابودی شیعیان می‌شد.

امام خمینی رحمه الله معتقد بودند که عنصر زمان و مکان در اجتهاد دخالت دارد. بنا به این نظریه، عنصر زمان و مکان در آن مقطع زمانی اقتضاء می‌کرده که تقیه را به معنای حفظ جان (به صورت مطلق) تعریف نمایند.

مرحوم شهید اول رحمه الله در قواعد تقیه را یک قاعده می‌دانند. لذا در کتاب قواعد به این صورت تعریف می‌نمایند:

التقیه مجاملة الناس بما يعرفون، و ترک ما ینکرون، حذراً من غوائلهم. كما أشار إليه أمير المؤمنين عليه السلام<sup>۲</sup>

---

۱. تصحیح الاعتقاد ص ۶۶.

۲. القواعد و الفوائد؛ ج ۲، ص: ۱۵۵؛ قاعدة - ۲۰۸ المداهنة فی قوله تعالى ودوا لو تدهن فیدهنون معصية.؛ ج ۲، ص: ۱۵۵

تقیه پنهانکاری از مردم است در مورد آنچه نیک می دانند و ترک آن چیزی است که زشت می دانند، به خاطر پرهیز از غائله و آشوب ایشان؛ آنچنانکه امیرالمؤمنین علیه السلام به آن اشاره داشته اند.

دوران شهید اول نیز شرایط سختی برای شیعه بوده است و مخصوصاً در شامات و تحت فشار عثمانی ها.

آخرین تعریف مربوط به شیخ انصاری رحمه الله است:

و المراد هنا: التحفظ عن ضرر الغير بموافقة فی قول أو فعل مخالف للحق.<sup>۱</sup>

در تعریف ایشان مقصود از «هنا» روشن نیست. برخی قائلند که مقصود ایشان تقیه در فقه بوده است؛ در صورتی که این قول درستی به نظر نمی رسد و ظاهراً مراد ایشان در نجف و عراق در آن زمان (سلطه عثمانی بر آن مناطق) بوده است.

با جمع بندی این تعاریف می توان گفت که هیچکدام از اینها جامع اطراف و مانع اغیار نیست. تقیه از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است و لذا اهل سنت هم قائل به تقیه هستند. منتها وهابیون جوئی را به وجود آورده اند که هرکس تقیه کند منافق است و متأسفانه غیر وهابی ها نیز از آنان تأثیر گرفته و اشکالی که به ما وارد می کنند در خصوص تقیه است.

(مرحوم طریحی در مجمع البحرین تقیه و تقاة را هم معنا می دانند، لذا تقاة را در آیهی الا ان تتقوا تقاة به معنای تقیه دانسته اند)

بنابراین تقیه در آن زمان های به حسب شرایط آن زمان ها و مکان ها تعریف شده است (که خطر برای جان شیعیان، خطر جدی برای اصل دین بوده است).

---

۱. رسائل فقهیه (للسیخ الأنصاری)؛ ص: ۷۱؛ رساله فی التقیة؛ ص: ۶۷

اصل تقیه این است که یک روش عقلانی است که نمی شود ملاک و متعلق آن را بیان داشت. اصل آن هم ترجیح اهمّ بر مهمّ است که اگر اقلیتی در میان اکثریت زندگی می کرده اند، سعی می کرده اند خودشان را با شرایط حاکم وفق دهند. مانند اقلیت های دینی که ملتزم به چیزی شده اند که آن را قبول ندارند (نظام ولایت فقیه)

در واقع تقیه روشی است برای حفظ هویت و در صورت امکان توسعه ی آن هویت و معارف مربوط به آن هویت.